

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال سوم، شماره هشتم، تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۲-۱

بر خوان عطار (نقد و بررسی تصحیحی دیگر از دیوان عطار نیشابوری)^۱

دکتر هادی اکبرزاده^۲

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان (پردیس امام محمدباقر^ع بجنورد)

سیده فاطمه مجیدی^۳

کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

دیوان غزلیات و قصاید عطار یکی از متداول‌ترین دیوان‌های شعر پارسی است که از همان قرن هفتم، همواره مورد علاقه و شوق دوستداران شعر عرفانی فارسی بوده است. این دیوان چاپ‌های متعددی دارد که دو چاپ مشهور آن به دست دو تن از محققان بنام عصر ما، استاد سعید نفیسی و دکتر تقی تفضلی خراسانی، انجام گرفته است.

چندی پیش انتشارات آستان قدس رضوی (به‌نشر) چاپ دوم این دیوان را به مقدمه و تصحیح دکتر اشرف‌زاده در ۱۰۰۰ نسخه منتشر کرد که بنا به گفته مصحح، با مقابله تمامی نسخه‌های چاپی و نسخه‌بدل‌هایی که اغلب در ذیل صفحات چاپ تفضلی - با توجه به معرفی نسخه‌هایی که در اختیار ایشان بوده - آمده، ویراسته و تصحیح‌گونه‌ای شده است. در

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۱۳

۱ تاریخ وصول: ۹۶/۱۱/۸

^۲ hadiakbarzade@yahoo.com
^۳ seyedefatememajidi@gmail.com

این پژوهش سعی بر آن است که وضعیت اثر بررسی شود که چه خطاهایی در ضبط یا خوانش اثر وارد شده است. این پژوهش با جست‌وجو در دیوان عطار به تصحیح رضا اشرف‌زاده و به روش تحلیلی انتقادی انجام شده است. نتایج نشان داد که با وجود خطاهای متعدد، هیچ‌گونه تصحیحی صورت نگرفته و کار جدیدی انجام پذیرفته و حتی نگارنده نسخه‌های خطی‌ای را که در اختیار تفضلی بوده، هم بررسی نکرده است.

واژه‌های کلیدی

دیوان، عطار، نسخه، تصحیح، اشرف‌زاده.

۱. مقدمه

شیخ عطار نیشابوری، شاعری بی‌نظیر از شاعران اواخر قرن شش و اوایل قرن هفتم هجری ایران است؛ شعرهای وی یکی از مراحل تکامل شعر عرفانی ایران است. دیوان پر از مضامین او چندین بار به طبع رسیده است. مصححان پیشین بسیاری از متون را تصحیح کرده‌اند؛ اما به نظر محققان امروز، پس از گذشت چند سال از کار بزرگ آنان، تصحیح دوباره برخی از این آثار لازم به نظر می‌رسد؛ به‌ویژه زمانی که نسخه‌های تازه از آنان به دست آمده باشد. باید گفت هنوز بسیاری از متون گران‌سنگ زبان فارسی آنچنان که می‌سزد سخته و پخته، ویراسته و پیرایش و تصحیح نشده‌اند و بسیاری از اشتباهات را با توجه به نسخه‌بدل‌ها می‌توان یافت که در متن را یافته است و گاه باید با تصحیح قیاسی از منابع و راه‌های دیگر به آن پی برد. دیوان عطار نیشابوری به تصحیح استاد سعید نفیسی و دکتر تقی تفضلی خراسانی، از جمله دیوان‌های کهنی است که نیاز به تصحیح دارد. یکی از این تصحیح‌ها که به‌تازگی به چاپ دوم هم رسیده، تصحیح دکتر رضا اشرف‌زاده است که انتشارات به‌نشر آن را منتشر کرده است.

باید گفت که تصحیح یک متن عبارت است تلاش عالمانه مصحح به منظور بررسی و شناخت یک متن برای رفع شوائب تحریف و تصحیف؛ و نیز تشخیص الحاقات و سهو و سقطات و به صلاح درآوردن اغلاط املائی و توضیح ابهامات معنایی آن متن بر بنیان منطق علمی، از برای به دست دادن صورت واقعی اثر و یا دست کم حصول به نزدیکترین شکل به آنچه از دست و فکر مؤلف و مصنف آن اثر آمده است (عطار، ۱۳۹۲ الف: ۱۰).

اشکال اصلی این تصحیح آن است که مصحح اگرچه کار خود را تصحیح نامیده، در واقع تصحیحی صورت نگرفته و مصحح در کمال ناباوری هیچ نسخه‌ای را، حتی نسخه در دسترس مجلس را که اساس کار استاد تفضلی بوده، ندیده است. به همین سبب، این تصحیح از آوردن هرگونه نسخه‌بدلی به دور است. در فهرست‌نویسی و پشت جلد نیز، این اثر تصحیح خوانده شده درحالی که ذکر عنوان تصحیح چندان درست نمی‌نماید. در مقدمه، اشاره‌ای کوتاه به روش به اصطلاح تصحیح شده است: «... این دیوان، با مقابله و مقایسه تقریباً تمامی نسخه‌های چاپی و نسخه‌بدل‌هایی که اغلب در ذیل صفحات چاپ تفضلی - با توجه به نسخه‌های موجود - آمده، ویراسته و تصحیح‌گونه‌ای شده است...» (عطار، ۱۳۹۶: سی و دو). ایشان تعریفی از معنای تصحیح‌گونه و یا تفاوت کارشان از نظر منابع و نسخه‌بدل با دکتر تفضلی ارائه نداده‌اند. برای روشن شدن این مطلب، این تصحیح با تصحیح استاد تفضلی مقایسه و نیز با دیگر چاپ‌های دیوان عطار مقابله شد. نگارندگان، پس از این مقابله و مقایسه، متوجه شدند که لغزش‌های بسیاری در این تصحیح‌گونه راه یافته است که ذکر تمامی آن‌ها موجب اطالۀ مطلب می‌گردد به همین دلیل به مواردی در این جستار اشاره می‌شود:

۱. غزل ۱، بیت ۶

آمد خطابِ ذوقی از هاتفِ حقیقت کای خسته چون بیابی اندوه زار ما را

■ در چاپ دکتر تفضلی «کای خسته چون بیابی اندوه زار ما را». در نسخه روانشاد

فروزانفر (فر) به جای زار، آر آمده است. در چاپ استاد سعید نفیسی نیز:

آمد خطابِ ذوقش از هاتف حقیقت: کای خسته چون بیابی اندوه آر ما را

دکتر شفیعی کدکنی در توضیح مصرع دوم این بیت آورده است: «یعنی هدیه برای ما، اگر یافتی، اندوه بیاور. در متن چاپی دیوان: اندوه‌زار بود که به‌لحاظ نحوی ایجاد اشکال می‌کند، گرچه ترکیب اندوه‌زار از همین بیت عطار مورد توجه بعضی از شعرای معاصر قرار گرفته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸، ۲۵۱).

در بیت بعد می‌گوید:

عطار اندرین ره، اندوهگین فرو شد زیرا که او تمام است انده‌گسار ما را

در صفحه ۵۴ نسخه در دسترس ما (به شماره ۲۳۸۵۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی):
اندوه زار.

۲. غزل ۵، بیت ۵

چون شدم پروانه شمع رخت همچو شمعی، چند بگذاری مرا

■ در چاپ دکتر تفضلی: همچو شمعی، چند بگذاری مرا. در هر دو چاپ «بگذاری» نادرست است و صحیح آن «بگذاری» است. قافیه‌های غزل می‌سازی، می‌تازی، بیندازی، سازی، و... است و اگر «بگذاری» را قافیه بیاوریم، بیت علاوه بر مشکل معنایی، مشکل قافیه هم پیدا می‌کند.

۳. غزل ۷، بیت ۱

بار دگر شور آورید این پیرِ دُرْدَاشام را

صد جام بر هم نوش کرد از خونِ دل پر جام ما

■ در چاپ دکتر تفضلی: ... خونِ دل پر جام ما. «پر جام ما» نادرست است و صحیح آن «بر جام ما» است. «بر هم: پشت سرهم، پی در پی. یعنی بر جام ما، صد جام پی در پی نوش کرد» (همان: ۲۵۲).

۴. غزل ۷، بیت ۴

بس کم‌زنی استاد شد، بی‌خانه و بنیاد شد

از نام و ننگ آزاد شد، نیک است این بدنام ما

■ در چاپ دکتر تفضلی: بس کم‌زنی استاد شد... با توجه به ابیات قبل «بس» نادرست است و صحیح آن «پس» است.

بار دگر شور آورید این پیر درد آشام را

صد جام برهم نوش کرد از خون دل پر جام ما

چون راست کاندلر کار شد وز کعبه در خمار شد

در کفر خود دیندار شد بیزار شد ز اسلام ما

پس گفت تا کی زین هوس؟ ماییم و درد یک نفس

دایم یکی گوئیم و بس تا شد دو عالم رام ما

پس کم‌زنی استاد شد بی‌خانه و بنیاد شد

از نام و ننگ آزاد شد نیک است این بدنام را

پس شد چون مردان مرد او وز هر دو عالم فرد او

وز درد درد درد او شد مست هفت اندام ما

دکتر شفیعی کدکنی در زیبور پاریسی (۱۳۷۸: ۱۰۸) نیز «پس» ضبط کرده است.

۵. غزل ۷، بیت ۵

پس شد چون مردان مرد او و زهر دو عالم فرد او

وز دَرِدِ دَرِدِ دَرِدِ او شد مست هفت اندام ما

■ در چاپ دکتر تفضلی نیز: ... چون مردان... «چون» نادرست است و صحیح آن «چو» است. «و زهر» نادرست و صحیح آن «وز هر» است. «دَرِدِ دَرِدِ دَرِدِ او» بهتر است به صورت «دُرِدِ دُرِدِ دُرِدِ او» خوانده شود.

۶. غزل ۷، بیت ۵

دل گشت چون دل‌داده‌ای، جان شد ز کار افتاده‌ای

تا ریخت پُر هر باده‌ای، از جام دل در جام ما

■ در چاپ دکتر تفضلی نیز: ... پُر هر باده‌ای... «پُر هر باده‌ای» نادرست است و صحیح آن «بر هر باده‌ای» است.

۷. غزل ۷، بیت ۸

عطار در دیر مغان خون می کشید اندر نهادن

فریاد برخاست از جهان، کای رند دردآشام ما

■ در چاپ دکتر تفضلی، «نهان» آمده که صحیح است.

۸. غزل ۸، بیت ۲

حق میان من و تو آگاه است هُوَ يَكْفِي مَنِ الذِي ظَلَمَا

■ «مَنِ» نادرست و صحیح آن «مِنَ» است.

۹. غزل ۹، بیت ۱۰

خویشتن ایشار کن عطاروار چند گویی: لا علی و لا لیا

■ «لا علی و لا لیا»... نادرست و نامفهوم است و صحیح آن «لا علی و لا لیا» است.

در جواهرالبلاغه (۱۳۷۵: ۵۷) در احوال مسندالیه، مثال زیر آمده است:

علی أننی راضٍ بأنِ احمِلِ الهوی و أخلص منه لا علی و لا لیا (لا شیء علی و لا

شیء لی)

۱۰. غزل ۱۱، بیت ۳

آفتاب ار ذره خورشید رویت نیستی نیستی چون روی تو هرگز منور آفتاب

■ در چاپ دکتر تفضلی: از ذره... ضبط دکتر اشرف‌زاده صحیح‌تر و مناسب‌تر به نظر

می‌رسد.

۱۱. غزل ۱۵، بیت ۶

دمی خوش است مکن صبحدم، دمی سردی که همدم است مرا یار مهربان امشب
■ در چاپ دکتر تفضلی: ... دمی مردی. در چاپ نفیسی: دمی سردی. ضبط دکتر اشرف‌زاده صحیح‌تر و مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

۱۲. غزل ۲۰، بیت ۱۰

به چه آلتی عشقِ روی تو بازم چو جان مست توست و خرد مستمندت...
چو وجه سپندی ندارم، چه سازم جگر به که سوزم به جای سپندت
مزن بانگ بر من که این است جرمم که خورشید خواندم به بانگ بلندت
غلط گفتم این زانکه خورشید دایم رخی همچو زر، می‌رود مستمندت
■ در چاپ دکتر تفضلی نیز: رخی همچو زر، می‌رود مستمندت. در چاپ نفیسی: رخی همچو زر، می‌رود دردمندت. که بر ضبط دکتر اشرف‌زاده و چاپ دکتر تفضلی مرجح است و اشکال تکرار قافیه ندارد.

۱۳. غزل ۲۳، بیت ۱

ای شکر خوشه‌چین گفتارت سرو، آزاد کرد رفتارت
■ خوانش «سرو، آزاد کرد» نادرست است و صحیح آن «سرو آزاد کرد...» است.

۱۴. غزل ۳۲، بیت ۱۴

او چو سلطان به زیر پرده نشست دل تنها چون پاسبان برخاست
■ «چون» نادرست است و صحیح آن «چو» است.

۱۵. غزل ۳۸، بیت ۵

تحفه جنت که از بهر شما آراستند با غم هجران او دوزخ سراستان ماست

۱۶. غزل ۴۱، بیت ۹

عین عیبت چون به غیبُ الغیب در پوشیده‌اند

پس یقین می‌دان که عینت، غیبت جاویدان توست

■ «عیبت» نادرست است و صحیح آن «عینت» است. نیز «غیبت» نادرست است و صحیح آن «غیب» است.

۱۷. غزل ۴۷، بیت ۹

هزار بار بنا، مرده طوطی جانت چگونه زین قفس آهنین تواند جست؟

تفضلی: بنامرده

۱۸. غزل ۵۰، بیت ۶

من رسیدم به وصل، بی‌وصفت عقل را رای باطل افتادست

وصل، بی‌صفت: باید به صورت ترکیبِ وصفی خوانده شود. «وصلِ بی‌صفت» درست است.

۱۹. غزل ۵۰، بیت ۷

فتنه، عطار در جهان افکند چاهِ ماروت بابل افتادست

چاه، ماروت

تصحیح نفیسی (عطار، ۱۳۹۲: ۱۲۷): فتنه هاروت در جهان افکند چاه ماروت بابل افتادست

۲۰. غزل ۵۴، بیت ۴:

ای ساقی ماه‌روی بر خیز کان آتش تیز، توبه بنشست

تیزِ توبه

۲۱. غزل ۷۵، بیت ۱۶

چون تو پیدا آمدی چون آفتاب گر شوم چون سایه ناپیدا خوش است

شدم

۲۲. غزل ۷۸، بیت ۹

مرغ دل چون واقف اسرار گشت می‌طپید از شوق، چون ماهی بشست

به شست

۲۳. غزل ۸۴، بیت ۶

گر عقل نشان است ز خورشید جمالت

یک ذره ز خورشید، فلک مژده‌رسان است

مجلس: نشان داد.

خورشید، فلک

خورشیدِ فلک

یک ذره حیران شده را عقل، چه داند کز جمله خورشید فلک چند نشان است؟

۲۴. غزل ۸۵، بیت ۵

در عشق فنا و محو و مستی سرمایه عمر جاودان است

بیت به اشتباه دو بار تکرار شده است.

۲۵. غزل ۹۶، بیت ۸

کاری قوی است عالی، کاندر ره طریقت بر هر هزار سالی یک مرد راه‌بین است

است و عالی

۲۶. غزل ۱۱۱، بیت ۱۰

جمله اینجا روی در دیوارِ جان خواهند داد

گر علاجی هست دیگر جز سر و دیوار نیست

دیوار، جان

۲۷. غزل ۱۱۴، بیت ۲

تا کی آخر از فراق کار من با وصلت به بتر بایست نیست
تصحیح نفیسی (عطار، ۱۳۹۲: ب: ۱۵۳): یا وصلت نه بتر بایست نیست.

۲۸. غزل ۱۱۸، بیت ۹

راست ناید نام و ننگ و عاشقی درد در ده جای نام و ننگ نیست
درد

۲۹. غزل ۱۲۲، بیت ۹

در ده ای عطار تن در نیستی انکه آنجا مرد هستی شاه نیست
زانکه

۳۰. غزل ۱۳۵، بیت ۱۳

عطار چو این سخن میان کرد بیرون ز جهان بسی جهان یافت
بیان

۳۱. غزل ۱۳۸، بیت ۱۸

تو نیایی این که بس نامحرمی خاصه هرگز محرم در نیافت
نیایی

محرم

۳۲. غزل ۱۵۵، بیت ۹

از عمد، سر چاه زنخدانت پوشید تا یوسف گم گشته در آمد به چه افتاد
تفضلی: زنخدان بپوشید

نفیسی: بپوشید

۳۳. غزل ۱۵۸، بیت ۳

دل خواسته بُد تا رقم کفر کَشَم، من
تفضلی: دل خواسته‌ای و رقم...

۳۴. غزل ۱۶۰، بیت ۱۱

همچو لاله فکند در خونم
تفضلی: بر

نفیسی: در

۳۵. غزل ۱۶۴، بیت ۳

گرچه جهان را بسی کس است شکیا
تفضلی: هیچ کسی از تو در جهان نشکاید

۳۶. غزل ۱۶۸، بیت ۷

شکری از تو طمع می‌دارم
تفضلی: به و در نسخه‌بدل‌های فر و می: می‌بیندیش.

هیچ‌یک از نسخه‌ها تو ندارد.

۳۷. غزل ۱۶۹، بیت ۷

جان و دلم ز عشقت مستغرقند دایم

در پیشِ چون تو شاهی جان و تنی چه سنجد؟

تفضلی: عشق. فر: پیش.

نفیسی: پیش. با توجه به اینکه در چند بیت قبل آمده: در پیشِ زور عشقت تردامنی چه

سنجد؟ ضبط دیگر یعنی، در عشقِ چون تو شاهی جان و تنی چه سنجد، مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

۳۸. غزل ۱۷۶، بیت ۷

گِل، دل گردد چو پشت گردد رو ظلمت چه رود همه ضیا گردد
تفضلی: چو

۳۹. غزل ۱۷۹، بیت ۸

چو ماهی آشنا جوید در این بحر به کل خاکیان بیگانه گردد
تفضلی: به کل از

نفیی: به کل ماهیان

۴۰. غزل ۱۸۸، بیت ۱۰

چو شوقش بود بسیاری و باقی نیز غیر خود

ز تو بر ساخت غیر خود، تو بی‌گیری اگر دارد

تفضلی: تویی‌گیری. مه: غیر دگر دارد.

۴۱. غزل ۱۹۹، بیت ۵

تا به ابد گمره جاوید ماند هر که به تو راه زپی‌شان نبرد
تفضلی: ز پیشان

۴۲. غزل ۲۰۰، بیت ۳

در دل مرد، جوهریست از دو جهان برون شده

پی‌چو بکرده‌اند گم، کس پس آن نمی‌برد

تفضلی: پی

۴۳. غزل ۲۳۳، بیت ۶

کو عیسی روحانی تا معجز خود بیند؟ کو یوسف کنعانی تا یک چشم براندازد؟
تفضلی: تا چشم. نفیی: تا دیده براندازد

۴۴. غزل ۲۳۶، بیت ۷

- بترس از تیر آه آتشی‌نم
تفضلی: پیکان
۴۵. غزل ۲۵۴، بیت ۱
- که از گرمیش یکسان می‌بسوزد
در راه تو هر که راهبر شد
خاک‌تر صحیح است.
۴۶. غزل ۳۳۲، بیت ۷
- هر لحظه به طبع، خاکِ تر شد
سایه از گل دان که پیش آفتاب
تفضلی: کل. زبور پارسی، ۱۶۰: کل.
۴۷. غزل ۳۳۸، بیت ۶
- آشکارا و نهان یکسان بود
دل شد از دست و ز جان ترسم، از آنک
تفضلی: چست طراری
۴۸. غزل ۳۳۸، بیت
- طره تو چیست؟ طراری بود
رسته دندانت در بازار حسن
تفضلی: روز بازاری
کلیده: روی بازار نداریم (انوری، ۱۳۸۱: ذیل روی بازار).
- تا قیامت روی بازاری بود
۴۹. غزل ۳۵۰، بیت ۴
- یا اشک گرم از دم سردم فسرده شد
تفضلی: گرمم
۵۰. غزل ۳۷۱، بیت ۹
- از دو ساغر شراب چه گشاید؟
رو که این رهروان چه تشنه شدند
تفضلی: چو

۵۱. غزل ۳۷۸، بیت ۶

به جان بین هر چه می‌بینی که توحید
ظاهراً چشم جان باید خوانده شود.
کسی کاو محو شد از چشم، جان دید

۵۲. غزل ۳۷۸، بیت ۲۰

دو عالم چیست، ار یک ذره، سایه است
تفضلی: از
که آنجا ذره‌ای را خط روان دید

۵۳. غزل ۳۸۲، بیت ۲

تا که تویی، عاشقی از تو نیاید درست
تفضلی: تو
خویش باید فروخت، عشق باید خرید

۵۴. غزل ۳۸۷، بیت ۱۴

شبنمی‌ام در ره دَمِ فَنَّا
تفضلی: شبنمی‌ام ذره‌ای دارم فنا
کی به دریای بقا خواهم رسید؟

۵۵. غزل ۵۱۴، بیت ۲

ز حیرانی عشق تو خلاصم کی بود هرگز؟

که از عشقت به تو هر روز حیران‌تر فروماندم

تفضلی: به نو

۵۶. غزل ۵۳۸، بیت ۸

با حلقه بی‌شمار زلفت
تفضلی: از حد بیرون
از حد بیرون شمار دارم

ظاهراً از حد بیرون است.

۵۷. غزل ۵۷۶، بیت ۹

- تا که هستم، سخنم از تو و از شیوهٔ توست
تفضلی: بشنویی
۵۸. غزل ۵۸۴، بیت ۱۷:
- چه غم بودی اگر بشنودی یک سخنم
چونی درونی تو و برون کس نیست
تفضلی: چون
۵۹. غزل ۵۸۶، بیت ۷
- من چو حلقه برون در، چه کنم؟
پس به یک نفس صد هزاران جان
تفضلی: به یک یک نفس
۶۰. غزل ۶۰۵، بیت ۵
- تحفهٔ چون تو ماهپاره کنم
گه مرد کلیسا و ناقوسیم
تفضلی: کلیسیا
۶۱. غزل ۶۷۳، بیت ۲
- گه صومعه‌دار غزی و لاتیم
کار من و حال من چه پرسی؟
تفضلی: کین (که این)
۶۲. غزل ۶۸۳، بیت ۳
- لیکن می‌دانم که می‌ندانم
در جمالش هر که با آن چشم هست
تفضلی: در خود
۶۳. غزل ۶۹۹، بیت ۹ و ۱۰
- تا ابد هر خوش تمنایی بین
وام دادی بوسه‌ای و از تو من
بیشتر دل بسته‌ام در وام تو
وام نگزاری و گویی بکشمتم
از تقاضاهای بی‌هنگام تو
تفضلی: داری

بهتر است وام‌نگذاری بنویسیم.

۶۴. غزل ۷۳۶، بیت ۱۱

با آنکه بوی وصلت نه دل شنید و نه جان ما و دلی و جانی، وقتِ وصال کرده

تفضلی: وقف

۶۵. غزل ۷۴۱، بیت ۱۰

در بحر عشق دریست از چشم خلق پنهان با جمله غرقه گشته وان دُر در آب مانده

تفضلی: ما

۶۶. غزل ۷۶۲، بیت ۶

یا اگر هر دم به نوعی تیز بینی آن جمال تو یقین می‌دان که گنجی است در ویرانه‌ای

تفضلی: نیز

۶۷. غزل ۷۶۲، بیت ۸

قفلِ عشقش کی گشایی؟ گر کلیدی نبودت هر دم از اُنسِ نو و دُردی نُوشِ دُر دانه‌ای

تفضلی: هر دم از اُنسی نو و دُردی نُوشِ دندان‌های

۶۸. غزل ۷۸۶، بیت ۱۴

عطار در غم خود، عمرت به آخر آمد چه سود کز غم خود غیر از زبان ندیدی؟

تفضلی: زبان. فر و مس: الا زیان. فی: الا زیان.

۶۹. غزل ۷۹۵، بیت ۵

آمد برِ پیر ما، می در سر و سر در بر پس در برِ پیر ما، بنشست چو هشیاری

تفضلی: می

مج و مه: سر در بر

۷۰. غزل ۸۲۱، بیت ۷

اندر بُنِ دیر ما شرطت بود این هر سه کز خویش برون آیی و ز جان و ز دل فانی

تفضلی: و دل فانی. «ز» زاید است.

۷۱. غزل ۸۳۴ بیت ۷

تا چرا راه چو مایی می‌زنی؟

من ز نم بر آتش عشق آب چشم

تفضلی: می‌زنم

۷۲. غزل ۸۶۲ بیت ۹

راست ناید دوی و یکتایی

هستی ما و هستی تو دو دهی است

تفضلی: دوییست.

۷۳. غزل ۸۷۰ بیت ۵

تا دست ز جان و دل نشویی

جانا به تو باز ننگرد راست

تفضلی: جانان

۷۴. قصیده ۷، بیت ۲۵

که همه سیم و زر و مال نار سقر است

بیشتر جان کن و زر جمع کن و فارغ باش

تفضلی: مال تو نار سقر

۷۵. قصیده ۱۶، بیت ۵۰

دو سه گرگی شُبان همی‌یابم

برسد یوسفان کنعانی

تفضلی: بر سر

۷۶. قصیده ۲۰، بیت ۲۰

ز خون سوخته آهوان ترکستان

هزاران ناقه مُسکین نمود در یک دم

تفضلی: ناقه

۷۷. ترجیع‌بند، بند ۱، بیت ۲

ما طالبِ کنجِ گنج‌هایم

در کُنجِ شرابخانه گنجیست

تفضلی و نفیسی: کنجِ کنج‌هایم

شایان ذکر است برخی غلط‌های چاپی اثر که کم نیست و شتابزدگی و مسامحه‌های فراوان حروف‌چینی و صفحه‌آرایی در آن دیده می‌شود، در جدول زیر آورده شده است. از آنجایی که این اشکالات بسیار زیاد است، بقیه آن‌ها در اختیار ناشر یا مصحح محترم قرار داده خواهد شد تا در چاپ‌های بعدی مورد استفاده قرار بگیرد.

جدول اشکالات چاپی

| غزل / بیت | نادرست | درست |
|-----------|--|--|
| ۱۰/۱۳ | نه سبب نه علتش باشد پدید نه بود از خود نه از غیرش، نسب | نه سبب نه علتش باشد پدید نه بود از خود نه از غیرش، نسب |
| ۸/۲۲ | هرچه گویی چون ترازو زین زبان گر یک جوست گنگ شو از ما سوی الله گر زبان می‌بایدت | سوی الله |
| ۹/۲۷ | از بلا هر کسی گریزان است این رهی طالب بلائی تو است | خوانش «رهی» نادرست است و صحیح آن «رهی» است. |
| ۱۰/۲۳ | گشت دندان عاشقان همه کند؟ زان‌که بس تیز گشت بازارت | خوانش «همه کند؟» نادرست است و صحیح آن «همه کند» است. |
| ۴/۱۱۴ | در منت به | در منت به |
| ۷/۱۱۴ | نثار | نثار |
| ۴/۱۱۶ | چون من دو جهان خلق گر هست و اگر نیست | چون من دو جهان خلق اگر هست و اگر نیست |
| ۷/۲۱۶ | هه عیسی صفتان | همه عیسی صفتان |
| ۹/۲۵۵ | بشست از جان و از دل دست، جاوید کسی کو مُرد، راه این سفر شد | بشست از جان و از دل دست، جاوید کسی کو مُرد راه این سفر شد |
| ۵/۲۶۴ | آن ذره عشق خلقی در گفت‌وگو فتادند | زان ذره عشق خلقی در گفت‌وگو فتادند |
| ۱/۲۷۸ | ز جهان‌ها نزل پیش آرید کآن جانان به دست آمد | ز جان‌ها نزل پیش آرید کآن جانان به دست آمد |

| | | |
|---|---|--------|
| تا زند عطار، بی این سر نفس | تا زند عطار، بی این سر نفس | ۱۳/۳۳۱ |
| هر عصا در دستِ ثعبان کی شود؟ | هر عصا در دستِ ثعبان کی شود؟ | ۱۸/۳۴۸ |
| زآب حیوان لب و ظلمت زلف | زآب حیوان، لب و ظلمت زلف | ۵/۴۶۳ |
| گر..... ...ره، گل کرده‌ام | گرِ گل آلود آورو پایم رواست کز سرشکم خاک ره گل کرده‌ام | ۴/۴۷۷ |
| روی سوی بحرِ هایل کرده‌ام | روی سوی بحر، هایل کرده‌ام | ۱۴/۴۷۷ |
| چون گرمِ پيله عشقِ تنیدم به خویش بر | چون گرم، پيله عشقِ تنیدم به خویش بر | ۲/۵۰۹ |
| بازی اگر نشیند بر دوشِ من، نگیرم | بازی اگر نشیند بر دوشِ من، نگیرم | ۱۲/۵۲۲ |
| ای یارگزیده، دل که باشد؟ جان نیز برای یار دارم | ای یار، گزیده دل که باشد؟ جان نیز برای یار دارم | ۹/۵۲۳ |
| پیش تو ان یکاد می‌خوانم | پیش تو وان یکاد می‌خوانم | ۹/۵۷۱ |
| صد علم عشق برافراختیم | صد علم عشق برافراختیم | ۲/۶۰۷ |
| درد ده ای ساقی مجلس که ما | درد ده ای ساقی! مجلس که ما | ۸/۶۰۷ |
| زآنکه بی تو، ژنده خلقان می‌زیم | زآنکه بی تو، ژنده خلقان می‌زیم | ۹/۶۲۵ |
| از تولا و تبرا ایمنیم | از تولا و تبرا ایمنیم | ۱/۶۳۶ |
| چند ریزم از سرِ یک یک مژه | چند ریزم از سرِ یک یک مژه | ۴/۶۹۵ |
| درفشان چون حلقه لؤلؤی تو | درفشان چون حلقه لؤلؤی تو | ۱۰/۷۱۱ |
| ... دل برده و جان به چاه افکنده | تو یوسف عالم و زنخدانت دل برده و جان به چاه افکنده | ۷/۷۴۶ |
| در زیر خدرِ عزت، چندان نمان نشستی | در زیر خدرِ عزت، چندان نمان نشستی | ۵/۷۷۲ |
| چو سایه می‌گذارم روزگاری | چو سایه می‌گذارم روزگاری | ۴/۷۹۰ |
| عاقبت هم سر پُر کبر، نگوسار کنی | عاقبت هم سر پُر کبر، نگونساز کنی | ۴/۸۳۵ |

همان طور که گفته شد، تاکنون دو تصحیح مشهور از دیوان عطار منتشر شده است: یکی

متن مصحح شادروان استاد سعید نفیسی (چاپ نخستین: تهران، ۱۳۱۹) که چاپ سوم آن نیز با تجدید نظر و اصلاحات در سال ۱۳۳۹ انتشار یافته است. تصحیح دیگری هم از این دیوان توسط شادروان دکتر تفضلی، ابتدا در ضمن انتشارات انجمن آثار ملی (۱۳۴۱) و سپس بار دیگر با تجدید نظر در بنگاه ترجمه و نشر کتاب، به عمل آمد که در تهران به سال ۱۳۴۵ انتشار یافت (عطار، ۱۳۹۲ الف: ۱۰).

۲. نتیجه

در تصحیح گونه دیوان عطار به کوشش دکتر رضا اشرفزاده، اشکالات بسیاری راه یافته و نمی‌توان چنان‌که در پشت جلد آمده است، آن را تصحیح دانست یا لاقلاً باید گفت این تصحیح گونه چندان معتبر و علمی نیست و خطاهای بسیاری در آن دیده می‌شود. در این جستار، بدون اینکه در پی بررسی موشکفانه باشیم، با نوعی تأمل، برخی از غلط‌ها و کاستی‌های کتاب مزبور را به صورت انتقادی بررسی کردیم. مصحح گاهی در ضبط صورت درست بیت و گاه در خوانش درست ابیات به خطا رفته است. از مقایسه این تصحیح گونه با چاپ استاد تفضلی و دیگر چاپ‌های این دیوان، مشخص شد که در بیشتر موارد در چاپ دکتر تفضلی، ابیات صحیح‌تر ضبط شده است. به عبارتی دیگر، می‌توان گفت بعد از تصحیح استاد تفضلی، کاری که جامع و دور از لغزش باشد، در تصحیح دیوان عطار ارائه نشده است و باید همچنان منتظر دیوان عطار به تصحیح استاد شفیعی کدکنی بود که بعد از تذکره الاولیا به سراغ آن خواهد رفت.

منابع

- ۱- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- ۲- الهاشمی، احمد (۱۳۷۵)، جواهر البلاغه فی المعانی و بیان. قم: التابع للمکتب الاعلام

الاسلامی.

۳- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸)، زبور پارسی (نگاهی به زندگی و غزل‌های عطار)، تهران: آگاه.

۴- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۹۰)، دیوان عطار، به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۵- _____ (۱۳۹۶)، دیوان عطار نیشابوری، مقدمه و تصحیح رضا اشرف‌زاده، مشهد: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).

۶- _____ (۱۳۹۲ الف)، دیوان عطار نیشابوری (متن انتقادی بر اساس نسخه‌های کهن)، به سعی و تصحیح مهدی مدائنی و دیگران، تهران: نشر چرخ.

۷- _____ (۱۳۹۲ ب)، دیوان فریدالدین عطار نیشابوری، تصحیح و مقابله و مقدمه سعید نفیسی، تهران: کتابخانه سنایی.

